

از بابا طاهر یارسان تا طاهر جصاص

مهدی به خیال

پژوهشگر و نویسنده
mahdibook10@gmail.com

کرد. اذکایی در آن کتاب بانگ‌رشی تاریخی، زندگی طاهر را در بستر اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی زمان به دست داد و با کار سترگ خود بخشی از ابهامات را رفع کرد. اما با این حال بابای شاعران همچنان به عنوان شاعر دوبیتی سرای مویه کن باقی ماند. تا اینکه این روزها بخشی دیگر از قضیه معما آمیز بابا طاهر توسط دکتر نصرالله پورجوادی مکشوف گردید.

کتاب «بابا طاهر» مشتمل بر ۶ فصل و مقدمه‌ای ۱۴ صفحه‌ای است، با این عناوین: بابا طاهر افسانه‌ای/ طاهر و عین‌القضات/ طاهر جصاص همدانی/ یک طاهر، نه بیشتر/ کتاب بابا طاهر در علم تصوف و مسئله اشعار بابا طاهر.

مقدمه

نویسنده در مقدمه کوتاهی که به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته است به تفصیل تصویر معاصران از بابا طاهر را ترسیم می‌کند و می‌نویسد: «در این دفتر من سعی کرده‌ام که با استفاده از منابع جدید و مطالعه دقیق‌تر منابعی که قبلاً در اختیار محققان بوده است این غبار را از آینه پاک کنم و طاهر افسانه‌ای را تبدیل به طاهری تاریخی نمایم.» (ص ۱۵) سپس در ادامه نارضایتی خود را از بعضی کتاب‌هایی که با نام تصوف و عرفان نوشته شده‌اند نشان می‌دهد و از کتاب صوفیگری سید احمد کسروی و عرفان دکتر تقی ارانی نام می‌برد و آنان را «سطحی، بی‌مایه و غرض‌آلود» می‌شمرد. (ص ۱۷).

مؤلف در ادامه مقدمه به بی‌توجهی و کم‌لطفی در حق طاهر و جفایی که بر این شخصیت بزرگ شده می‌پردازد و می‌گوید: «طاهر هنوز هم در کتابهایی که درباره تاریخ تصوف نوشته می‌شود جایی پیدا نکرده است.» (ص ۱۹) وی در پایان مقدمه به نکته‌ای مهم و بنیانی می‌پردازد و از کشف خود و ماهیت اصلی کتاب سخن می‌گوید و می‌نویسد:

«عین‌القضات در نامه‌های خود وقتی از طاهر سخن می‌گوید در دو جا از او به عنوان «طاهر جصاص» یاد می‌کند و همین نسبت در واقع یکی از مهم‌ترین گزارش‌ها درباره طاهر را در اختیار ما قرار می‌دهد، گزارشی که خود می‌تواند کلیدی باشد برای حل معمای شخصیت طاهر.» (ص ۲۰).

بابا طاهر

شرح احوال و نگاهی به آثار ابو محمد طاهر جصاص همدانی (ف. ۴۱۸)

دکتر نصرالله پورجوادی، انتشارات: فرهنگ معاصر، چاپ اول: ۱۳۹۴، تیراژ: ۲۰۰۰، ۲۰۸ ص.

چند و چونی زندگانی شعرا و بزرگان ایران زمین همیشه با حدس و گمان‌هایی آمیخته بوده است. در این میان داستان شعرای متصوف بزرگ، که صاحب کرامات بوده‌اند با معماهای بیشتری روبرو بوده و هاله‌ای افسانه‌وار زندگانی آن‌ها را در بر گرفته است. زندگانی و هویت تاریخی بابا طاهر هم از این امر متنی نبوده؛ بل به دلایل عدیده‌ای بیشتر هم بوده است.^۱

اما برای شناخت حقیقت و رفع این ابهامات گام‌های خوبی برداشته شده و تحقیقات مدونی - خصوصاً درباره زبان و آثار بابا طاهر - از جانب پژوهشگران فرنگی چون ولادیمیر مینورسکی، ادوارد هرون الن، ایوانف، کارل هدنگ و ادوارد براون صورت گرفته. از سوی دیگر تحقیقاتی ارزشمند به قلم رشید یاسمی، پرویز ناتل خانلری، مجتبی مینوی، صادق کیا و مهرداد بهار در این زمینه انجام شده است. در یچه‌ای دیگر جهت شناخت بابا طاهر در سال ۱۳۷۵ به همت دکتر پرویز اذکائی صورت گرفت و ایشان در آن اوان یادداشت‌ها و کشفیات خود را در کتابی تحت عنوان بابا طاهرنامه منتشر

۱ «این تواطؤ سکوت، حاکی از آن است که طریقه بابا طاهر (و باباها و پیران دیگر و شیخ برکه و جز اینان) در نزد مشایخ صوفیه معهود یا مقبول نبوده است.» اذکائی، پرویز، بابا طاهرنامه، توس، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹.

(۱) بابا طاهر افسانه‌ای

دکتر پورجوادی در بخش اول کتاب به روایت‌ها و داستان‌هایی که در مورد بابا طاهر در متون کهن و منابع قدیم ذکر شده است می‌پردازد. در این گفتار، درباره گزارش راوندی می‌گوید: «او با داستان ساختگی خود همه را به اشتباه انداخته است» و داستان‌هایی چون سفر طغرل بیک به همدان و ملاقاتش با بابا طاهر، عمر دراز بابا طاهر و دیدار با امام جعفر صادق^(ع)، ملاقات و گفتگوی بابا طاهر با خواجه نصیرالدین طوسی را از کتاب‌های راحة الصدور، تذکره عرفات العاشقین و تذکره ریاض الشعرا نقل می‌کند و با ذکر شواهد و ادله مردود می‌داند.

(۲) طاهر و عین‌القضات

در بخش دوم به «طاهر و عین‌القضات» می‌پردازد و ضمن نگاهی مختصر به مشایخ پیش از عین‌القضات می‌کوشد ارتباطی بین عرفای آن دوره همدان با طاهر بیابد و چهره حقیقی بابا طاهر را کشف کند. سپس به شیخ برکه استاد عین‌القضات اشاره می‌کند و او را شاگرد شیخ فتحه سر پلی (سر پل ذهاب) و شیخ فتحه را نیز شاگرد بابا طاهر همدانی می‌خواند.

در پایان این بخش به «نامه‌های عین‌القضات» اشاره می‌کند و با دقت نظر به کلمه «جصاص» که در کنار نام طاهر ذکر شده است می‌پردازد: «محققانی که درباره طاهر تحقیق کرده‌اند تاکنون به مشخصه بسیار مهمی که عین‌القضات در جلد دوم از برای شیخ طاهر به کار برده است توجه نکرده و بی‌اعتبار از آن عبور کرده‌اند. مشخصه‌ای که قاضی ذکر می‌کند در ضمن بیان یکی از عقاید کلامی خود اوست که مطابق با نظر طاهر است. او طاهر را جصاص می‌خواند ... جصاص به معنی گچکار یا گچگر است. پس معلوم می‌شود شغل و حرفه بابا طاهر جصاصی یا گچکاری بوده است.» (ص ۵۰).

(۳) طاهر جصاص همدانی

در بخش سوم که مهم‌ترین بخش کتاب است نویسنده با ذکر شواهدی از منابع عربی مانند: الانساب (ابوسعبد عبدالکریم سمعانی)، تاریخ الاسلام و سیر اعلام النبلاء (شمس‌الدین

ذهبی) و الوافی بالوفیات (صلاح‌الدین صفدی) اطلاق کلمه جصاص را برای طاهر به معنی گچکار مسلم و تاریخ فوت بابا طاهر را طبق همان منابع، سال ۴۱۸ هجری می‌داند. در ادامه به نکته مهمی که همان «ملامتی» بودن بابا طاهر است اشاره می‌کند، سپس گذرا به «پیشینه تصوف و اولین خانقاه در همدان» می‌پردازد.

در بخشی دیگر در این فصل به «شاگردان و کتاب‌های طاهر» به نقل از کتاب ذهبی اشاره می‌کند (که او هم از قول جعفر ابهری نوشته بوده است) و می‌نویسد: «طاهر سیصد شاگرد داشت که همه ایشان از «اوتاد» بودند؛ سپس به دیگر رفتار طاهر که «غیر عادی و گیاهخوار» بوده است می‌پردازد و خیلی مختصر می‌نویسد: «...ظاهراً همان رفتارها و گفتارهای غیر عادی بوده که باعث می‌شده است که بعضی‌ها او را به زندقه «متهم» کنند...» (ص ۶۹) وی با آنکه شواهدی ارائه می‌دهد که نشان از مانوی بودن طاهر دارد اما از کنار آن‌ها می‌گذرد و آن‌ها را تهمتی می‌داند که به طاهر روا می‌دارند. دکتر پورجوادی در ادامه به دیگر خصیصه‌های اخلاقی طاهر اشاره می‌کند به ویژه آزار نرساندن به حیوانات: «طاهر همدانی نیز یکی از اولیاءالله بود که راضی به زحمت خلق نبود. او حتی پشه و شپش را هم آزار نمی‌داد و نمی‌کشت.» (ص ۷۳).

(۴) یک طاهر، نه بیشتر

در این بخش نویسنده به نکاتی که در فصول قبلی بدانها پرداخته است مجدداً اشاره می‌کند و درباره ملاقات احتمالی بابا طاهر با ابن‌سینا، با ذکر دلایلی، این دیدار را محتمل می‌داند. در ادامه، باب سخن را در مورد نویسندگی و شاعری بابا طاهر باز می‌کند و خواننده را به فصل پایانی کتاب ارجاع می‌دهد.

(۵) کتاب بابا طاهر در علم تصوف

دکتر پورجوادی در این بخش به طور مشروح به کتاب «کلمات» یا «اشارات» بابا طاهر می‌پردازد و پس از نقد و بررسی، چنین استنباط می‌کند که احتمالاً عنوان کتاب «احکام‌المیریدین» بوده و چون اثر «فاقد مقدمه مصنف است» پس یقیناً صفحات اولیه آن و شاید هم یکی دو باب از اول کتاب افتاده باشد و مصحح هم با فراغ بال و بدون

سخن آخر

آنچه قدری عجیب به نظر می‌رسد آن است که پورجوادی مطلقاً سخنی در مورد «اهل حق» بودن طاهر در میان نمی‌آورد و با آنکه در لابلای کتاب به باباطاهرنامه اذکائی استناد می‌کند، اما چون به «تکمله و تعلیق» اذکائی (بر گفتار مینورسکی) می‌رسد خاموش می‌ماند. اذکائی در جای جای این بخش به متون فرقه گورانی (اهل حق) از جمله نامه سرانجام و شاهنامه حقیقت اشاره می‌کند و «اهل حق» بودن طاهر را اثبات می‌کند و می‌نویسد: «باباطاهر به مثابه یکی از فرشته‌های ادواری در آیین اهل حق پذیرفته شده، که سخت متأثر از عقاید گنوسی زروانی - مانوی پیش از اسلام، و هم مرتبط با دیگر فرقه‌های غالبان و اسماعیلیان (- بعدها حروفیان و نقطویان) بوده...» (صص ۱۲۶-۱۲۷). و نیز در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: «بابا طاهر همدانی... از پیران طریقه گنوسی ایرانی دین حق بود، که اصول عقاید آن سخت با اعتقادات زروانی - مانوی و حکمت فهلوی باستانی پیوند داشت.» (ص ۱۴۳). اما پورجوادی خواسته یا ناخواسته بدون هیچ اشاره‌ای از کنار این گفتارها می‌گذرد و به طور کامل این سخنان را نادیده می‌گیرد. همین امر، او را در بخش پایانی کتاب به اشتباه می‌اندازد و خوانش و مفهوم نظریه افلاطونی (!) را در شرح ترانه‌های بابا طاهر ارائه می‌دهد که هیچ ارتباطی با بابا طاهری که یکی از چهار ملک (- چهار فرشته) اهل حق و یاران خاص شاه خوشین لرستانی (مبارک شاه) بوده است ندارد.

هیچ توضیحی عنوان جعلی «کلمات» و «اشارات» را برای اثر برگزیده. پورجوادی به نکته مهم دیگری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «کتاب طاهر اولین اثر جامعی است در علم تصوف که به قلم نویسنده‌ای همدانی در همدان نوشته شده و به خلاف اللمع سراج و تهذیب الاسرار (خرگوشی)، رساله قشیری، البیاض و السواد (ابوالحسن سیرگانی) جنبه تقلیدی و تکراری ندارد، بلکه مطالب آن اصیل است و اندیشه‌های خود نویسنده را بیان می‌کند.» (صص ۹۸-۹۹). و معتقد است این آثار گردآوری سخنان مشایخ صوفیه خراسان و بین‌النهرین است؛ اما «کتاب طاهر، اثری تصنیفی» است و تفاوت‌های بسیاری با نوشته‌های نویسندگان خراسانی دارد: «در این کتاب نویسنده به گردآوری سخنان و حکایت‌های صوفیان و عارفان و ملامتین پیشین و نقل حکایت‌های ایشان پرداخته است. از هیچ یک از عارفان و صوفیان در این کتاب نامی برده نشده است... به آیه‌های قرآن و احادیث هم در این کتاب استناد نشده و حتی یک بیت شعر از صوفیان شاعر، مانند حسین منصور حلاج و ابوبکر شبلی، هم نقل نشده است.» (ص ۱۰۰).

(۶) مسئله اشعار بابا طاهر

آخرین فصل کتاب که به مراتب از بخش‌های پیشین مفصل‌تر است به مسئله اشعار بابا طاهر اختصاص یافته است. مؤلف در این بخش به احتمال شاعر بودن طاهر می‌پردازد و آرای پرویز ناتل خانلری، مجتبی مینوی و وحید دستگردی را در این زمینه بیان می‌کند. در ادامه، به اجمال، به مقایسه رباعیات خیام و دوبیتی‌های بابا طاهر می‌پردازد و درباره صحت و اصالت اشعار طاهر می‌نویسد:

«ما هیچ سند قدیمی در مورد شاعری طاهر در دست نداریم» (ص ۱۳۳) لذا روش «حکم سلبی، حکم ایجابی» را پیشنهاد می‌کند و بدین شکل تلاش می‌کند تا اشعار صحیح بابا طاهر را بیابد. نویسنده در نهایت تعدادی دوبیتی که در منابع مختلف به نام طاهر ثبت شده را برمی‌گزیند و سپس معانی آنها را همراه با شرحی مختصر بیان می‌کند.

